

بررسی تطبیقی ضرب المثل‌های فارسی با امثال سائره قرآن

عباس غلامی^۱، * محمدشرف حسینی^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

* ^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان (نویسنده مسئول)

نویسنده مسئول: hosainimh1@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

چکیده

در ادبیات عامه، ضرب المثل‌های فارسیبه قصدتقریب امورذهنی و غیبی و عقلی به اذهان استفاده شده است و قرآن تاثیر عمیقوچشم‌گیری بر آنها داشته است واز این طریق فهم مسائل مشکل را برای همگان میسر، خاطررا لذت وطبع، را مسرت می‌بخشد.هدف این مقاله که با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی با تکیه بر منابع کتابخانه‌یی صورت گرفته، بیان تاثیر آیات قرآن بر مثل‌های فارسی است، نتیجه این تاثیر، گاهی به‌صورت مستقیم از یک آیه یا واژه قرآنی بوده است، گاهی نیز مثل‌های فارسی به صورت تلمیحی به داستان‌های قرآنی اشاره دارد، و در برخی موارد، مضامین و محتوی مثل‌های فارسی از آیات قرآنی تاثیر پذیرفته است.

کلیدواژه: مثل‌های فارسی، ضرب المثل قرآنی، امثال سائره.

۱. مقدمه

قرآن چشمه‌ی فیاضی است که در طی قرون متمادی، همواره تشنگان هدایت را از زلال خود سیراب نموده است و رهپویان طریق هدایت، دل و جان خویش را در این چشمه سار زلال، شست و شوداده اند و خود را با عطر دل آویز آن معطر ساخته اند.بی‌گمان، قرآن برای گروه خاصی نازل نشده، بلکه کتابی جهانی است (لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا «فرقان/۱») بنابراین باید مراد خود را به نحوی عرضه دارد که همه ی انسان‌ها تا روز قیامت آن را درک کنند. بهترین زبانی که می‌تواند معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای توده ی مردم تبیین کند زبان «تمثیل» است. در تمثیلات قرآنی، شنونده تنها خود را با یک جلوه ادبی وهنری مواجه نبیند که فقط احساسات او را برانگیزد و دیگر هیچ! بلکه در کنار این جنبه‌ها، اهداف و آثار تربیتی گوناگون و متعددی تعقیب می‌شود که نه تنها پنجه در احساسات و عواطف آدمی می‌افکند و او را تحت تاثیر جاذبه ی شگفت خود قرار می‌دهد، بلکه با استفاده از روش‌ها و ابزارهای ویژه ی تربیتی، او را به صحنه عمل آورده و تحولی شگرف در نهاد وی می‌آفریند

۲. بیان مسئله

ضرب المثل‌هایی که در زبان فارسی به کار می‌روند، خاستگاه‌های متعددی دارند و در طول تاریخ از موضوعات و مسائل مختلفی اثر پذیرفته اند، یکی از این موارد قرآن است آنچه مسلم است با ظهور اسلام در جامعه ایرانی و حضور آن در زندگی مردم، ادبیات عامه و بسیاری آداب و رسوم ایرانیان نیز، رنگ و بوی قرآنی به خود گرفت و قرآن به عنوان مقدس ترین کتاب الهی و نیز به عنوان جهت دهنده و اصلاح کننده ی همهی رفتارها و سنت‌های مردمی، در ادبیات عامه ایرانیان به ویژه ضرب المثل‌ها و کنایه‌ها حضور یافته و فضای بسیاری از این نوع ادبی را جلوه قرآنی بخشید... با مطالعه در فرهنگ عامیانه ی مردم ایران در می‌یابیم که به خاطر علاقه فراوان ایرانیان به قرآن کریم، بسیاری از مثل‌های فارسی مانند بسیاری از گونه‌های کلامی دیگر در ادبیات فارسی و فرهنگ شفاهی مردم، تحت تاثیر فرهنگ و آموزه‌های قرآن کریم، قرار گرفته است. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد با استفاده از برخی آیات مبارک قرآن که در اثر تکرار جزء امثال سائره شده اند، جلوه‌های تاثیر آن را بر ضرب المثل‌های فارسی بررسی کند و مخاطب خود را با گوشه ای از تاثیر فرهنگ قرآنی در این زمینه بیشتر آشنا سازد و با استفاده از روش تحلیلی، توصیفی و مقایسه ای به این پرسش پاسخ گوید که تاثیر امثال سائره قرآنی بر ضرب المثل‌های فارسی به چه صورت بوده است؟

۳. پیشینه پژوهش

موضوع مثال‌های قرآن از همان دوره‌های صدر اسلام مورد توجه دانشمندان و قرآن پژوهان، بوده است، و کتابهای امثال القرآن جنید بن محمد قواریری (متوفی ۲۹۸) جمهره الأمثال عسکری (متوفی ۳۹۵) المستقصی زمخشری (متوفی ۴۶۷) و مجمع الأمثال میدانی (متوفی ۵۱۸) نوشته شده است، این توجه در دوره معاصر نیز ادامه داشته و در این زمینه آثاری نگاشته شده است: تمثیلات قرآن و جلوه‌های تربیتی آن از حمید محمدقاسمی (۱۳۸۶)، مثل‌های آموزنده قرآن در تبیین ۵۷ مثل قرآنی از جعفر سبحانی (۱۳۸۲)، تاثیر قرآن بر آفرینش ضرب المثل‌های فارسی از علی اصغر بابا صفری و پریسا اورک (۱۳۹۲)، امثال و حکم از علی اکبر دهخدا (۱۳۷۰)، داستان‌های امثال از امیر قلی امینی (۱۳۹۳)، همچنین استاد بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب قرآن پژوهی خود به برخی از ضرب المثل‌هایی که از قرآن تاثیر گرفته اند اشاره کرده اند. اما تا کنون هیچ کار جامع و مستقلاً در این زمینه مقایسه و تطبیق مثل‌های فارسی با قرآن کریم انجام نگرفته است.

۴. مبانی نظری

تعریف مثل

کلمه مَثَل در اکثر زبان‌های سامی مانند حبشی، آرامی و عربی به اختلاف لهجات به معنی تشبیه چیزی به چیز دیگر است، مبرد (متوفی ۲۸۵) مَثَل را از «مَثُول» به معنای مشابهت و همانندی گرفته و آن را چنین تعریف کرده است: «مثل سخن رایج و شایعی است که به وسیله آن حال دوم به حال اول، یعنی حالتی را که اخیراً حادث شده به حالتی که پیش از آن حادث شده است و شبیه آن است تشبیه کنند (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۰). محققان مثل‌ها را از جنبه‌های گوناگون و روشهای مختلف تقسیم بندی کرده اند، مثلاً از جهت ظاهر و محتوی، بسیط و مرکب، رمزی و داستانی و طبیعی، صریح یا کامن مثل‌های را مورد تحلیل و بررسی قرار داده اند، ابن قیم انواع آن را به سه نوع «موجز سائر، قیاسی و خرافی» تقسیم بندی کرده است (۱۹۸۱: ۱۹). این تقسیم بندی در مثل‌های قرآنی نیز صورت گرفته است، مثلاً برخی از محققان امثال قرآن را سه نوع دانسته: امثال واضحه یا ظاهری، امثال مخفی و پوشیده و ارسال المثل یا امثال سائره که در تعریف امثال سائره آمده است «جمله ای مختصر به نثر یا نظم، مشتمل بر پندی یا دستوری یا قاعده اخلاقی که مورد تمثل خاص یا عام شود و از فرط سادگی و روانی و کمال ایجاز، همگان به آن استشهد نمایند. این قسم مثل را ضرب المثل، نیز می‌گویند» (حکمت، ۱۳۶۱: ۴۸).

قرآن در ادبیات

تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب ایران شاهد تاخت و تازهای ملل مختلف بوده، از فرهنگ‌های مختلف متأثر بوده است اما حقیقت این است که با فتح ایران توسط اعراب، زوایای نور اسلام در باور متمدن و فرهنگ ریشه دار ایرانی در تعامل قرار گرفت و رنسانس تفکر اسلامی رقم خورد. با مطالعه در فرهنگ عامیانه مردم ایران در می‌یابیم که به خاطر علاقه فراوان ایرانیان به قرآن کریم، بسیاری از آیین‌ها و رسم‌های ایرانی، با حضور قرآن انجام پذیرفته و می‌پذیرد. هر چند که بر شمردن آداب و رسوم ایرانی قرآنی در این نوشته کوتاه ممکن نیست ولی در این نوشته به مختصری از ضرب المثل‌ها و کنایات قرآنی اشاره می‌گردد.

جلوه‌های تاثیر قرآن کریم در ضرب المثل‌ها

آیات در مثل‌های فارسی به صورت‌های گوناگون تاثیر گذاشته است، گاهی در فارسی عیناً یک آیه یا بخشی از آیه یا چند واژه قرآنی مورد استفاده است و مفردات، تراکیب وصفی یا اضافی یا تعابیر قرآنی در فارسی وجود دارد، گاهی نیز مثل‌های فارسی به صورت تلمیحی به داستان‌های قرآنی اشاره دارد، و در برخی موارد، مضامین و محتوی مثل‌های فارسی از آیات قرآنی تاثیر پذیرفته است. برای توضیح و تبیین بیشتر، برای مثال به ذکر برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

أ- مثل‌ها و ضرب المثل‌های قرآنی

بیش از ۲۰۰ آیه کوتاه قرآن زبازد عام و خاص است و در گفت و گوها، محاورات و سخنرانی‌ها در موارد مختلف از آن آیه‌ها شاهد می‌آوردند و مثال می‌زنند و از آنها استفاده میکنند (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۲: ۳۱۵) این آیات غالباً کوتاه بوده و از مضامین مختلف بهره مند است، در ذیل به عنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره میشود:

- ۱- وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (آل عمران/ ۱۵۹) «و در کارها با مردم مشورت کن.»
- ۲- إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران/ ۱۷۱) «خدا پاداش مومنین را تباه نمیکند»
- ۳- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (آل عمران/ ۱۸۵) «هر کس مرگ را میچشد.»

- ۴- وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا (اعراف/۳۱) «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.»
- ۵- أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ (اعراف/۱۷۹) «آن‌ها مانند چهار پایانند بلکه گمراه‌تر و پست‌تر هستند.»
- ۶- إِنْ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ (هود/۱۱۴) «حسنات و نیکی‌ها آثار سیئات و بدی‌ها را می‌برند.»
- ۷- أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد/۲۸) «آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.»
- ۸- إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا (اسراء/۷) «اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید.»
- ۹- حَسْبِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (حج/۱۲) «دنیا و آخرت را از دست داده است.»
- ۱۰- نُوْرٌ عَلٰی نُورٍ (نور/۲۶) «نوری است بر فراز نور.»
- ۱۱- إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (فتح/۱) «ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم»
- ۱۲- يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ (فتح/۱۰) «دست خدا بالای دست آنهاست.»
- ۱۳- إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ (احقرات) «همانا مومنین با هم برادرند.»
- ۱۴- إِنْ أكرمَكُم عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُم (احقرات/۱۳) «همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.»
- ۱۵- كَمَثَلِ الْجَمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (جمعه/۵) «مانند الاغ‌هایی هستند که کتاب‌هایی را حمل می‌کنند.»
- ۱۶- إِنْ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (عصر) «همانا انسان در زبان کاری است.»
- ۱۷- لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينُ (کافرون/۶) «آیین شما برای خودتان و آیین من برای خودم باشد»
- ۱۸- وَإِنْ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبِيتِ الْعَنَكَبُوتِ (عنکبوت/۴۱) «وهمانا سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنکبوت است»
- ۱۹- وَ أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ (قصص/۷۷) «نیکی کن همان‌گونه که خداوند به تو نیکی فرمود.» ۱۹
- ۲۰- فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مؤمنون/۱۵) «بزرگ و مبارک است خدایی که بهترین آفرینندگان است.»
- ۲۱- إِنْ رَبِّكَ لَبِا لِمِرْصَادٍ (فجر/۱۴) «به یقین پروردگارت در کمین‌گاه است.»

ب- تاثیر پذیری واژگانی

در این شیوه‌ی اثر پذیری، شاعر یا نویسنده، واژه‌ها و ترکیب‌هایی را از قرآن کریم در شعر یا نثر خویش می‌آورد به گونه‌ای که اگر قرآن نبود، زبان و ادب نیز از آن واژه بی بهره بود. مواردی مانند:

۱- «اول بسم الله و غلط» (بابا صفری واورک، ۱۳۹۲: ۸۰)

این مثل، برای کسی به کار می‌رود که در ابتدای کاری دچار اشتباه و خطا شود.

۲- «خَفِضَ جَنَاحَ كَرْدَن» (امینی، ۱۳۹۳: ۲۳۶) به معنی فروتنی و تواضع نمودن است که از آیه ۲۱۵ سوره مبارکه شعرا گرفته شده است. «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (ویر و بال مرحمت بر تمام پیروان یا ایمان به تواضع بگستران.)

۳- «كُنْ فَيَكُونُ كَرْدَن» (امینی، ۱۳۹۳: ۴۶۷) که اشاره به حادثه‌ای بزرگ و دگرگونی شدید دارد ویر گفته از آیه ۸۲ سوره مبارکه یس می‌باشد. «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» «فرمان نافذ خداوند در عالم، چون اراده‌ی خلقت چیزی کند به محض آنکه بگوید موجود باش بلا فاصله موجود خواهد شد»

۴- «شَقَّ الْقَمَرَ كَرْدَن» (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۶۷۸/۲) این مثل زمانی است که کسی کار دشوار و معجزه‌آسایی را انجام دهد و شخص دیگری بخواهد کار انجام شده را کوچک جلوه دهد. شق القمر از معجزات پیامبر اکرم (ص) است. این مثل از آیه‌ی یک سوره مبارکه قمر گرفته شده است فرماید: «أَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَالشَّقُّ الْقَمَرُ» «نزدیک شد قیامت و از هم شکافت، ماه»

۵- «يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ» این مثل در محاوره، به این صورت می‌آید که مثلاً «فلانی چه قیافه‌ی یأجوج و مأجوجی دارد» یا در مورد گروهی که به یک باره و بدون دعوت به جایی می‌روند، می‌گویند: «قوم یأجوج و مأجوج آمدند» (بابا صفری واورک، ۱۳۹۲: ۹۶) این مثل برگرفته از آیه ۹۴ سوره مبارکه کهف که می‌فرماید: «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْآنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا» «گفتند: ای ذوالقرنین! یأجوج و مأجوج در این سرزمین فساد می‌کنند، آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم که میان ما و آن‌ها سدّی ایجاد کنی؟» و آیه ۹۶ سوره مبارکه انبیا می‌باشد که می‌فرماید: «حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجَ وَ هُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ» «تا آن زمان که یأجوج و مأجوج گشوده نشوند و آن‌ها از هر محل مرتفعی به سرعت عبور می‌کنند.»

۶- «تا هم فیها خالدون رفتن» (حکمت، ۱۳۶۱: ۸۴) در مقام تمثیل به تعقیب امری طویل و دنبال کردن کاری تا انتهاست همان‌طور که شخص «آیه الکرسی» (۲/۲۵۵) که از آیات طوال است تا آخر آن «هم فیها خالدون» قرائت نماید.

۷- «هل من مزید گفتن» در مقام اشاره به حرص و شره و زیاده‌طلبی بکار می‌رود (حکمت، ۱۳۶۱: ۸۸) و اقتباس از آیه شریفه: «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلْ امْتَلَأْتَ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» است.

ج- اثر پذیری تلمیحی از شخصیت‌ها و داستان‌های قرآنی

تلمیح در لغت به معنای به گوشه چشم نگریستن است و در اصطلاح فن بدیع، آن است که شاعر در ضمن کلام، به داستان یا آیه و حدیث یا حادثه ای که مشهور باشد اشاره کند. در شیوه تلمیح، شاعر یا نویسنده سخن خویش را بر پایه ی نکته ای قرآنی بنا می‌نهد، اما به عمد آن را با نشانه یا اشاره‌هایی همراه می‌سازد که خواننده را به آن چه خود بدان نظر داشته است، راه نماید (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۲).

کنایه‌های قرآنی

کنایه‌های قرآنی ترکیباتی هستند که ساختار اصلی تشکیل دهنده آنها، اشاره، کلمه، ترکیب، متن یا ترجمه ای از سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم پدیدار باشد. کنایه‌های قرآنی یک معنی نزدیک و یک معنی دور دارد که معمولاً برای دست یابی به معنی دور در جایگاه‌های مناسب، از آن استفاده می‌شود. این کاربرد ممکن است در متون نظم و نثر یا در محاورات روزمره صورت پذیرد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲). در بررسی کنایه‌های عامیانه به نمونه‌های بسیاری از این نوع اثر پذیری بر خورد می‌نماییم که در اینجا به پاره ای از آنها که به صورت مصدری استفاده می‌شود اشاره می‌کنیم: ۱- «گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده» این مثل که مصراع دوم از بیت سعدی است که گفت: «در کوی تو معروفم و از روی تو محروم» در زبان فارسی مثل است برای تهمت زدن به بیگانهان، این مثل اشاره ای است به آیه شریفه «و ترکنا یوسف عند متاعنا فاکله الذئب» (۷۲/۱۲).

۲- «یوسف ارزان فروختن یا بثمان بخش فروختن» که اقتباس از آیه شریفه «وَشَرَّوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ» (۲۰/۱۲) می‌باشد.

۳- مثل زقوم (حکمت، ۱۳۶۱: ۱۴۳) در مقام تلخی و بدطعمی غذاها مورد استفاده قرار می‌گیرد که از آیه ۶۶ و ۶۴ سوره مبارکه صافات «إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ... فَإِنَّهُمْ لَأَكَلُونَ مِنْهَا فَمَا لِيُؤْوِنَ مِنْهَا الْبُطُونَ» «آن درختی است که از قعر آتش سوزان می‌روید... پس [دوزخیان] احتمالاً از آن می‌خورند و شکم‌ها را از آن پر می‌کنند» گرفته شده است. ۴- مثل قارون (حبله رودی، ۱۳۷۵: ۷۷) در مقام اشاره به ثروت فراوان افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد و اقتباسی است از داستان قارون که در سوره مبارکه قصص به آن اشاره شده است

۵- «مثل سلیمان اهرمن» (حکمت، ۱۳۶۱: ۹۰). اقتباسی از آیه شریفه «و لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ» (۳۴/۳۸) می‌باشد.

۶- «مثل سدا سکندر و یا جوج و یا جوج» (دهخدا، ۱۳۷۰: ۳/ ۱۴۴۵) در مقام اشاره به استحکام و استواری اشیاء و یا استقامت در برابر آشوب‌ها و فتنه‌ها است که از داستان ذوالقرنین که در سوره کهف به آن پرداخته شده مأخوذ می‌باشد.

۷- مثل کشتی نوح (حکمت، ۱۳۶۱: ۸۹) در مقام تمثیل و پناهگاه محکمی که در برابر حوادث و آفات پایداری و مقاومت می‌کند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اثر پذیری مضامین قرآنی

نوع دیگری از اثر پذیری ضرب المثل‌ها از قرآن کریم، که به طور گسترده در ضرب المثل‌ها نمایان است اثر پذیری از مضامین قرآنی است، بدین صورت که با مطالعه ضرب المثل‌های عامیانه، مشخص می‌شود که گاه از مضمون آیه یا آیاتی برای به تصویر کشیدن فکر و اندیشه الهام گرفته شده است بدون این که از واژگان و مفردات قرآن به طور صریح استفاده شود. در قرآن کریم حدود «۲۴۵» مثل وجود دارد که ملت‌های اسلامی به طور مثال در موارد مختلف و شؤون گوناگون زندگانی در مقام پند و یاد آوری و ارشاد و آگاهی دهی در عصر ما به کار می‌برند (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۲: ۳۱۹) که برای اثبات هر چه بیشتر نفوذ این آیات در زندگی ما ایرانیان، در حد بضاعت سعی شده است تا معادل فارسی آن نیز ذکر شود.

۱- «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ» (بقره/۱۶)

(اینانند که گمراهی را به بهای ره یابی خریده اند، از این رو بازرگانیشان سود نکرد)

کسی بر بدکاری سود نکرد. (دهخدا، ۱۳۷۰: ۳/ ۱۲۰۳)

۲- «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره/۴۴)

(آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید.)

الف- اگر لایبی بلدی چرا خوابت نمی‌برد. (دهخدا، ۱۳۸۹: ۱/ ۸۰)

ب) به عمل کار برآید به سخنرانی نیست. (گرگیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۰۷)

پ- اگر بابا بیل زنی، باغچه خودت را بیل بزنی (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۱۶۱/۱)

ت- کور خود مباش و بینیای مردم (دهخدا، ۱۳۷۰: ۳/ ۱۲۴۳)

ث) دو صد گفته چون نیم کردار نیست. (دهخدا، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۶۲)

ج) آب صدای خود را نمی‌شنود. (امینی، ۱۳۹۳: ۹)

۳- «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ» (بقره/۸۵)

(آیا به برخی از کتاب ایمان می‌آورید و به برخی دیگر کافر می‌شوید؟)

الف- یک بام و دو هوا نمی‌شه (دهخدا، ۱۳۸۹: ۲/ ۹۶۸)

- ب- یک شهر ودو نرخ(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۱۰۹)
- ۴- «فَإِنْ قَاتَلْتُمُكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره/۱۹۱)
- (پس اگر با شما کار زار کردند، بکشیدشان که سزای کافران چنین است.)
- الف- جواب زور را زور می‌دهد(دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۵۸۹)
- ب- سنگ سنگ را می‌شکند. (شهری، ۴۴۵: ۱۳۷۰)
- ۵- «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره/۱۹۷)
- (توشه بر گیرید که بهترین توشه پرهیز کاری است)
- الف- دارنده مباش از بلاها رستی (دهخدا، ۱۳۷۰: ۱/ ۳۵)
- ب- غنیمت دان دمی تا یک دمت هست(الهی دوست، ۱۳۸۵: ۲۱۶)
- پ- هر که تهی کیسه تر آسوده تر(دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۹۴۱)
- ت- بار سبک زود به منزل می‌رسد(بهمنیار، ۱۳۶۹: ۶۹)
- ۶- «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره/۲۱۶)
- (شاید ناخوش دارید چیزی را و آن برای شما بهتر باشد)
- الف- هر چه پیش آید خوش آید(امینی، ۱۳۹۳: ۶۳۳)
- ب- الخیر فیما وقع (ضبی، ۱۹۸۱: ۱۲۹)
- پ- هر چه باداباد(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۰۳۲)
- ۷- «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»(بقره/۲۳۳)
- (هیچ کس بیش از توانش مکلف نیست.)
- هر کس به قدر خویش گرفتار محنت است.(امینی، ۱۳۹۳: ۶۴۱)
- ۸- «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره/۲۴۹)
- (چه بسا گروهی اندک که به خواست خدا بر گروهی بسیار پیروز شده اند.)
- الف- صبر و ظفر هر دو از دوستان قدیمند بعد صبر نوبت ظفر آید(الهی دوست، ۱۳۸۵: ۲۳۷)
- ب- بس اندک سپاها که روز نبرد ز بسیار لشگر برآورد گرد (فردوسی: ۷۹)
- ۹- «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/۲۸۶)
- (خدا هیچکس را تکلیف نمی‌کند مگر به اندازه توانش)
- الف- خدا برف را به قدر بام می‌دهد (دهخدا، ۱۳۷۰: ۴/ ۱۹۵)
- ب- خدا درد را به اندازه طاقت می‌دهد (دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۷۱۸)
- پ- هر کس را بهر کاری ساختند(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۰۵۶)
- ت- هر که بامش بیش برفش بیشتر(دهخدا: ۲/ ۸۹۴)
- ث- هر که دخلش بیش، خرجش بیشتر(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۰۶۰)
- ج- هر کس یک مرغ کمتر دارد، یک کیش پیش است(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۰۶۰)
- ۱۰- «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۳)
- (وهمگی به ریمان خداوند چنگ زبید و پراکنده نشوید)
- الف- یک دست صدا ندارد(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۱۱۶)
- ب- یک دست بی صداست(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۱۱۶)
- پ- هر که بی بار بود پیوسته بیمار بود(گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۱۴)
- ۱۱- «يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ» (آل عمران/ ۱۶۷)
- (با دهانهایشان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست)
- الف- دل و زبانش یکی نیست(قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۲۷۲)
- ب- حرف باد هواست (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۲)
- ۱۲- «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران/ ۱۸۵)

(هر کسی چشنده مرگ است)

الف-مرگ شتری است که به در هر خانه ای می‌خوابد(دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۵۳۲/۳)

ب-مرگ به فقیر و غنی نگاه نمی‌کند(بهمنیار، ۱۳۶۹: ۵۰۳)

پ-همه رفتنی هستند(الهی دوست، ۱۳۸۵: ۳۳۲)

ت-مرگ پیر و جوان نمی‌شناسد (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۸۲)

۱۳-«إِن خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِشَةً» (نساء/ ۳)

(واگر بیم آن دارید که به دادگری رفتار نکنید پس به یک زن بسنده کنید)

الف-یک بار بسنده کن که یک دل داری(دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۱۰۲/۲)

ب-خدا یکی یار یکی(حبله رودی، ۱۳۷۵: ۶۲)

پ-به یک دست دو هندوانه نمی‌توان برداشت(الهی دوست، ۱۳۸۵: ۱۲۲)

۱۴-«قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى» (نساء/۷۷)

(بگو کالا و برخورداری این جهان اندک است و آن جهان برای کسی که پرهیزگار باشد بهتر است)

الف- شاهبازان به گه صید نگیرند مگس (نکنم رغبت دنیا که متاعیست قلیل)(دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۳۷۰/۲: ۱۰۰۲)

ب-مال دنیا به دنیا می‌ماند(گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶۶)

ج-دنیا محل گذر است(گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۳)

۱۵-«إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (نساء/۱۴۰)

(مسلمانم خداوند همه ی منافقان و کافران را یکجا در دوزخ گرد خواهد آورد)

الف-سگ زرد برادر شغال است(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۶۵۲/۲)

ب-سگ زرد هم یار گرگ است(گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

۱۶-«تُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكَرُ بِبَعْضٍ» (نساء/۱۵۰)

(ما به برخی ایمان داریم و به برخی نداریم)

الف-یک بام و دو هوا(دهخدا، ۱۳۸۹: ۹۶۸/۲)

ب-یک شهر و دو نرخ(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۱۱۰۹/۲)

۱۷-«أَجَلْتُ لَكُمْ نَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ» (مائده/۱)

(خوردن گوشت چهارپایان جز آنچه بر شما خوانده می‌شود برای شما حلال شده است)

کی خورد مرد خدا آلا حلال(بهمنیار، ۱۳۶۹: ۴۵۵)

۱۸-«السِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا»(مائده/۴۵)

(دندان به دندان و زخمها را قصاص است)

الف-قصاص به قیامت نمی‌ماند(گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۲۲)

ب-تیری به تیری(دهخدا، ۱۳۷۰: ۹۹۸/۲)

۱۹-«يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/۵۴)

(جهاد می‌کنند در راه خدا و از ملامت هیچ ملامتگری نمی‌ترسند)

الف-بیدی نیست که از این بادها بلرزد(دهخدا، ۱۳۸۹: ۱۵۴/۱)

ب-ز آواز روبه نترسد پلنگ(رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲۹۱/۱)

۲۰-«لَا تَسْتَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ» (مائده/۱۰۱)

(از چیزهایی می‌پرسید که اگر برای شما آشکار شود، شما را بد آید و اندوهگین کند)

الف-سری که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند(امینی، ۱۳۹۳: ۳۵۴)

ب-تو خربزه خور، تو را با جالیز چه کار؟(قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۱۴۹)

پ-تو را چه کار به این و آن، نانت را بخور خرت را بران(گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۹)

۲۱-«يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ» (مائده/۱۱۹)

(روزی که راستگویان را راستیشان سود دهد.)

- الف-راستی کن که راستان رستند (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۱)
 ب-راستی، رستی (دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۸۵۸)
- پ-راستی آور که شوی رستگار (حبله رودی، ۱۳۶۹: ۷۹)
 ۲۲- «مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا» (انعام/ ۱۶۰)
 (هر که کار بدی آورد جز همانند آن کیفر نبیند)
- الف-هر آنکس که بد کرد کیفر برد (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۵)
 ب-هر که از بد آغاز کرده، از بد کیفر برد (دهخدا، ۱۳۸۹: ۲/ ۸۹۴)
- پ-چو بد کردی مباش ایمن ز آفات (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۵)
 ۲۳- «وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا» (انعام/ ۱۶۴)
 (و هیچ کس کار بدی نمی‌کند مگر آن که بر زیان خود اوست)
- الف-گناه کس را پای کس دیگر نمی‌نویسند (بهمینار، ۱۳۶۹: ۴۷۴)
 ب-از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید، جو ز جو (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۸۵)
 ۲۴- «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف/ ۳۱)
 (و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید)
- الف-کم بخور همیشه بخور (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۴۱)
 ب-سیر آن شد که مُرد (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۶)
- پ- نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چندان که از ضعف جانت برآید (سعدی شیرازی، ۱۳۷۵: ۹۸)
 ت- کاه از خودت نیست کاهدان که از خودت است (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۸۰۵)
- ۲۵- «هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف/ ۱۴۷)
 (آیا جز آنچه می‌کردند پاداش می‌یابند)
- الف-کجا بدرود کارنده زهر؟ (دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۱۱۹۲)
 ب- کسی جو نکاشت که گندم درو کند (امینی، ۱۳۹۳: ۴۵۲)
- ۲۶- «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود/ ۱۱۴)
 (خوبی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند)
- الف-بادشمن اگر نیک کنی گردد دوست (دهخدا، ۱۳۷۰: ۱/ ۳۵۵)
 ب-بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من أسأ (سعدی شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۸۵)
 ۲۷- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/ ۱۱)
 (بی تردید خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، تا آنها وضع خود را تغییر دهند.)
- الف-چاه باید از خودش آب داشته باشد (دهخدا، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۳۸)
 ب-بی زر بی پر (رحماندوست: ۲۹۴/۱)
 پ-بی مایه فطیر است (رحماندوست: ۲۹۴/۱)
- ت-بی مایه صد من خمیر ترش است (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۲)
 ۲۸- «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/ ۲۸)
 (آگاه باشید که دل‌ها تنها به یاد خدا آرام می‌یابد)
- الف-ذکر حق دل رام‌نور می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۸۵۵)
 ب-ذکر خدا کن تا دلت روشن شود (قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۳۱۷)
- ۲۹- «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم/ ۷)
 (اگر سپاس گزایید همانا شما را نعمت بیفزاییم)
- الف-شکر رحمت کن که رحمت در پی است (دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۱۰۴۷)
 ب-شکر نعمت نعمت افزون کند (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۲)
 ۳۰- «أَيْنَمَا يُوجِّهُهُ لَأَيِّتٍ بِخَيْرٍ» (نحل/ ۷۶)

- (هر جا او را می‌فرستد خبری نمی‌آورد)
- الف- صد چافو بسازد یکی اش دسته ندارد (دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۶۵۲)
- ب- صد کوزه بسازد یکی اش دسته ندارد (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۹۰)
- پ- هزار کیسه بدوزد یکی اش ته ندارد (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۷۰۶)
- ت- صد قبا بدوزد یکی اش آستین ندارد (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۷۰۶)
- ۳۱- «وَإِنْ غَافِبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا غَوَّيْتُمْ بِهِ» (نحل/ ۱۲۶)
- (و اگر سزا می‌دهید، مانند آنچه با شما کرده اند سزا دهید)
- الف- زدی ضربتی، ضربتی نوش کن (دهخدا، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۹۸)
- ب- هر زدن خور دنی دارد (بهمنیار، ۱۳۶۹: ۵۴۸)
- پ- جواب‌های هوی است (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲/ ۶۰۸)
- ۳۲- «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (اسراء/ ۱۵)
- (و هیچ کس بار گناه دیگری را بر ندارد)
- الف- دل کسی به یتیم کسی نمی‌سوزد (دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۸۲۳)
- ب- هر کی به فکر خویشه، کوسه به فکر ریشه (بهمنیار، ۱۳۶۹: ۵۵۲)
- پ- کسی به کسی نیست (امینی، ۱۳۹۳: ۴۵۲)
- ت- زمانه ایست که هر کس به خود گرفتار است (حبله رودی، ۱۳۴۴: ۸۶)
- ۳۳- «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ» (اسراء/ ۸۱)
- (حق بیامد و باطل نابود شد)
- الف- دیو چو بیرون رود فرشته در آید (گرجیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۹)
- ب- پایان شب سیه سفید است (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۱/ ۵۷۱)
- ۳۴- «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف/ ۴۹)
- (و هر چه کرده اند پیش رو بیابند)
- الف- هر کس میهمان عمل خویش است (دهخدا، ۱۳۷۰: ۴/ ۱۹۴۰)
- ب- کرده ی خویشت آید پیش (دهخدا، ۱۳۷۰: ۲/ ۱۱۹۹)
- ۳۵- «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء/ ۲۲)
- (اگر در آن دو، خدایانی جز خدای یکتا می‌بود هر آینه، هردو تباہ می‌شدند)
- الف- آشپز که دوتا شد آش یا شور است یا بی مزه (دهخدا، ۱۳۸۹: ۱/ ۴۱)
- ب- دو شمشیر در نیامی‌نگنجند (امینی، ۱۳۹۳: ۲۹۵)
- پ- دو پادشاه در اقلیمی‌نگنجند (سعید شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۹)
- ت- خردمند گوید که در یک سراپچو فرمان دو گردد نماند بجای (فردوسی: ۴۶۲)
- ث- خانه ای را که دو کد بانوست، خاک تا زانوست. (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۱/ ۹۰)
- ج- ماما که دوتا شد، سر بچه کج می‌شود. (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۱/ ۹۰)
- ۳۶- «خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ» (حج/ ۱۱)
- (در این جهان و آن جهان زیان کار است)
- الف- نه دین و نه دنیا و نه امید بهشت (دهخدا، ۱۳۷۰: ۴/ ۱۸۵۰)
- ب- نه دختر دنیا است و نه پسر آخرت (خدایار، ۱۳۶۳: ۶۷۷)
- پ- نه مرد دنیا است و نه زن آخرت (قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۶۳۲)
- ت- چوب دو سر طلا شدیم (شهری، ۱۳۷۰: ۲۸۶)
- ث- گدای ارمنی است نه دنیا دارد و نه آخرت (خدایار، ۱۳۶۳: ۵۴۵)
- ۳۷- «الْحَبِيبَاتُ لِلْحَبِيبِينَ وَالْحَبِيبُونَ لِلْحَبِيبَاتِ» (نور/ ۲۶)
- (زنان پلید برای مردان پلید و مردان پلید برای زنان پلیدند)

- الف- کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز (گرگیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۴۳)
- ب- سر خر، دندان سگ (دهخدا، ۲: ۱۳۷۰/۹۶۲)
- پ- مردار سگان را و سگان مردار را (قائم مقامی، ۱۳۷۵: ۵۷۹)

۵. نتیجه‌گیری

مثل‌های فارسی به دلیل پیوند با کتاب آسمانی و تقدس آن رنگ و بوی دیگری یافته‌اند و میزان تاثیر گذاری این دسته از مثل‌ها و توجه به آن، بیش از سایر موارد است؛ از سوی دیگر کاربرد وسیع آیات قرآن در ضرب المثل‌های فارسی نشان از نفوذ و تأثیر کلام خداوند در این جلوه مهم از فرهنگ عامه است، آیات در مثل‌های فارسی به صورت‌های گوناگون تأثیر گذاشته است، گاهی در مثل‌های فارسی عیناً یک آیه یا بخشی از آیه یا چند واژه قرآنی مورد استفاده قرار گرفته است و مفردات، تراکیب وصفی یا اضافی یا تعابیر قرآنی بدون هیچ تغییری در فارسی وجود دارد، گاهی نیز مثل‌های فارسی به صورت تلمیحی به داستان‌های قرآنی اشاره دارد، و در برخی موارد، مضامین و محتوی مثل‌های فارسی از آیات قرآنی تأثیر پذیرفته است.

منابع

- ۱) قرآن کریم (۱۳۸۳). ترجمه ی مهدی الهی قمشه ای، چاپ دوم، تهران: انتشارات دهقان.
- ۲) ابن قیم (۱۹۸۱) *الأمثال فی القرآن الکریم*، تحقیق محمد نمر، بیروت، دارالمعرفه
- ۳) الهی دوست، محمد رضا (۱۳۸۵). *گلستان ضرب المثل‌های قرآنی*، چاپ دوم، قم: انتشارات جامعه القرآن.
- ۴) امینی، امیر قلی (۱۳۹۳). *فرهنگ عوام*، به کوشش منیژه امینی، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس.
- ۵) ----- (۱۳۵۱). *داستان‌های امثال*، اصفهان: چاپخانه ی اصفهان.
- ۶) بابا صفری، علی اصغر و پریسا اورک (۱۳۹۲) «تأثیر قرآن بر آفرینش ضرب المثل‌های فارسی»، شماره ۳۴، کرمان: نشریه ی ادب و زبان دانشگده ادبیات شهید باهنر کرمان.
- ۷) بهمنیار، احمد (۱۳۶۹). *داستان نامه بهمنیاری*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۸) حبله رودی، محمد علی (۱۳۷۵). *جامع التمثیل*، چاپ پنجم، مطبوعات حسینی.
- ۹) حکمت، علی اصغر (۱۳۶۱). *امثال قرآن*، چاپ دوم، تهران: نشر بنیاد قرآن.
- ۱۰) خدا یار، امیر مسعود (۱۳۶۳). *اندرزها و مثال‌های مصطلح در زبان فارسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات خورشید.
- ۱۱) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۰). *امثال و حکم*، چاپ هفتم، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۲) ----- (۱۳۸۹). *امثال و حکم*، گزیده و شرح: فرج الله شریفی گلپایگانی، تهران: هیرمند.
- ۱۳) ذوالفقاری حسن (۱۳۵۸). «بازتاب قرآن کریم در ضرب المثل‌های فارسی». نشریه: *الجمعیه العلمیه الایرانیه للغة العربیه و آدابها*. ۲ دوره بهار و تابستان
- ۱۴) راستگو، سید محمد (۱۳۶۷). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ۱۵) رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۱) *فوت کوزه گری*، چاپ هفتم، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان .
- ۱۶) سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۷۴) *کلیات سعدی*، تصحیح محمد علی فروغی، چاپ پنجم، انتشارات ققنوس
- ۱۷) ----- (۱۳۷۵). *گلستان*، چاپ دوم، انتشارات جویا.
- ۱۸) شهری، جعفر (۱۳۷۰). *قندونمک*، چاپ اول، انتشارات اسماعیلیان.
- ۱۹) شیخ الاسلامی، جعفر (۱۳۹۲). *مثل‌های زیبای قرآن*، چاپ اول، انتشارات دُرسا.
- ۲۰) ضبّی، مفضل بن محمد (۱۴۰۱ هـ، ۱۹۸۱ م). *امثال العرب*، چاپ اول، بیروت، لبنان: دار الرائد العربی.
- ۲۱) فردوسی، ابوالقاسم منصورین حسن، *شاهنامه*، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه ی انتشارات امیر کبیر، چاپ سپهر.
- ۲۲) قاسمی، حمید محمد (۱۳۸۶). *تمثیلات قرآن و جلوه‌های تربیتی آن*، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۲۳) قائم مقامی، علی اکبر (۱۳۷۸) *نامه ی داستان یا امثال و حکم*، تصحیح رحیم چاوش اکبری، چاپ اول، انتشارات مستوفی.
- ۲۴) گرجیان، بهمن، مسعود خداپرست، شیوامولونیا (۱۳۸۷). / چاپ اول، اهواز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اهواز .
- ۲۵) هاشمی، احمد (۱۳۸۴) *جواهر البلاغه*، انتشارات ذوی القربی.

The place of Romanticism School in the Poems of Mehdi Akhavan Sales

Farshad Daneshvar Nik¹, Mohammad Fazli², Parvin Dokht Mashor³

¹ Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

* ² Professor of Persian Language and Literature Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran (Responsible Author)

³ Professor of the Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Corresponding author: m.fazeli25@yahoo.com

Received date: 05/05/1400, accepted date: 11/20/1400

Abstract

In popular literature, Persian proverbs are used to bring mental, occult and intellectual matters to the mind, and the Qur'an has had a deep and insightful effect on them, and in this way, it makes difficult issues easier for everyone, gives pleasure to the mind and pleasure to nature. The purpose of this article, which was carried out using analytical-descriptive methods based on library sources, is to express the impact of Quranic verses on Persian proverbs. Sometimes, Persian proverbs allude to Quranic stories, and in some cases, the themes and content of Persian proverbs are influenced by Quranic verses.

Keywords: masalhaye farsi, zarbolmasal ghoeani, amsal saere.